



زبان قرآن  
عربی



جامع

انسانی

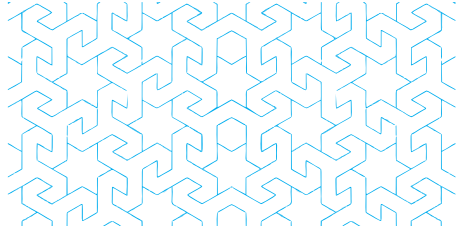
یازدهم



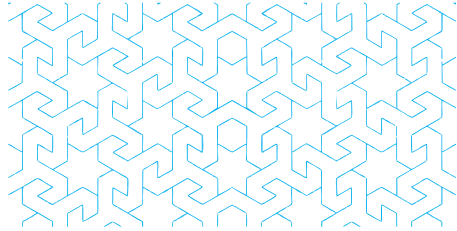
مہدی ترابی







UNIVERSITY  
OF  
MUSCAT  
AND  
SALALAH



### به نام خدایی که مهربان بی‌همتاست ....

وقتی به جهان پیرامون خودمان با دقت نگاه می‌کنیم، درمی‌یابیم که سرعت تغییرات پدیده‌های اطرافمان آن قدر زیاد شده که گاهی نمی‌توانیم خودمان را با این تغییر مطابق کنیم و صادقانه، از خیلی از آنها جا می‌مانیم، یکی از این پدیده‌ها «کنکور سراسری» است که علی‌رغم جوانی و تازگی نظام جدید، در درس عربی، کاملاً بلوغ و تکامل در کنکورهای برگزار شده به چشم می‌خورد و به همین دلیل تمام سعی ما این بوده که هر سال این تغییر و تحولات را در کتاب عربی مبتکران لحاظ کنیم، اما در این راه یک مشکل بزرگ وجود داشت و آن هم زیاد شدن تعداد صفحات کتاب بود که برای رفع این مشکل تصمیم گرفتیم کتاب «عربی جامع کنکور» را به صورت سه جلدی، شامل «دهم جامع»، «یازدهم جامع» و «دوازدهم جامع» ارائه دهیم، به نحوی که دانش‌آموز را از خرید کتاب دیگری در درس عربی بی‌نیاز کند.

کتابی که تقدیم شما می‌شود مربوط به پایه یازدهم انسانی از سری کتاب‌های جامع پایه است و همان طور که از عنوانش مشخص است (جامع)، تمام نیازهای دانش‌آموز یازدهمی و دانش‌آموز کنکوری در عربی یازدهم را تأمین می‌کند و شما در یک کتاب، تمام آنچه می‌خواهید، را دریافت می‌کنید.

### این کتاب، مطالب زیر را شامل می‌شود:

- تست‌های ترجمه، تعریف، قواعد، واژگان، درک مطلب، ضبط الحركات و تحلیل صرفی (سراسری و تالیفی)
- آموزش کامل قواعد و نکات ترجمه
- ترجمه خط به خط کتاب درسی
- لغت نامه کامل درس به درس
- حل تمرین‌های کتاب درسی
- مترادف و متضاد هر درس
- نمودار خلاصه قواعد و نکات ترجمه
- انواع فعل‌ها و مصدرهای هر درس
- مثال‌نامه‌ها برای بالا بردن تراز آزمون‌ها
- جمع‌های مکسر هر درس

### با تهیه این کتاب موارد زیر را به دست می‌آورید:

**درس‌نامه:** در این قسمت تمام موضوعات قواعدی به طور کامل تدریس شده است.  
**نکته‌نامه:** نکات تستی و تشریحی و موارد فرعی درسنامه، در قالب «نکته‌نامه» آمده است.  
**اشتباه شونده‌ها:** مواردی که معمولاً در قسمت‌های قواعدی با یکدیگر اشتباه گرفته می‌شود.  
**کارگاه ترجمه:** نکات ترجمه‌ای مربوط به هر درس که به صورت قالب ثابت در قسمت آموزش آورده شده و برای آزمون‌های تستی و تشریحی بسیار کاربردی است.  
**ترجمه خط به خط:** تمام متن‌های کتاب درسی به طور کامل، کلمه به کلمه و خط به خط ترجمه شده است.  
**المعجم:** لغت‌نامه‌ی کامل هر درس است که نسبت به لغت‌نامه‌ی کتاب درسی، لغات بیشتری در خود جای داده است.

**حل تمرین‌های کتاب:** تمام تمرین‌های کتاب درسی به صورت کامل و با توضیحات کافی حل شده است.  
**(لازم به ذکر است بخش زیادی از تست‌ها مربوط به تمرین‌های کتاب است.)**  
**مترادف - متضاد:** این بخش برای هر درس به طور جداگانه به شناخت ارتباطات معنایی کلمات کمک می‌کند.



**جمع مکسر:** شناخت جمع‌های مکسر و مفرد آن‌ها در هر درس کمک قابل توجهی به حل تست‌ها می‌نماید. **انواع فعل:** تمام فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی و مصدرهایی که در هر درس از کتاب وجود دارد، به‌طور جداگانه در جدول قرار گرفته است؛ چون اعتقاد داریم مهم‌ترین جزء عربی نظام جدید «فعل» است. **مرور و جمع‌بندی در یک نگاه:** قطعاً دانش‌آموزانی که در آزمون‌های آزمایشی شرکت می‌کنند، به خوبی این مسأله را درک می‌نمایند که داشتن یک خلاصه جامع و کامل و آماده می‌تواند بسیار راهگشا باشد. **مثال‌نامه:** شاید به جرأت یکی از ابتکارها و تفاوت اصلی این کتاب با سایر کتب بازار، مربوط به همین قسمت باشد، ما معتقدیم وقتی در هر درس از کتاب، تمام مثال‌های مربوط به قواعد آن درس را به‌طور کامل و یک‌جا ببینید، قطعاً می‌توانید در آزمون‌ها و حل تست‌ها موفق‌تر باشید، مثال‌نامه را خیلی جدی بگیرید!

**پرسش‌های چهارگزینه‌ای:** پس از پایان قسمت آموزش در این کتاب، حالا وقت آن است که با شکل تستی سوالات آشنا شوید که در این قسمت پرسش‌های چهارگزینه‌ای به دسته‌های زیر تقسیم می‌شود:

۱. واژگان (مترادف - متضاد) ۲. حواریات (گفت‌وگوها) ۳. ترجمه و تعریب ۴. درک مطلب

۵. قواعد ۶. پرسش‌های کنکور سراسری

**پاسخ‌نامه:** برای هریک از پرسش‌های چهارگزینه‌ای، پاسخنامه تشریحی در انتهای کتاب قرار دارد و تلاش کرده‌ایم تا جایی که ممکن است در قسمت پاسخنامه به تحلیل تمام گزینه‌ها پردازیم. در روند تولید کتاب نیز معمولاً فقط نام مولف به چشم می‌آید درحالی‌که این یک فرآیند گروهی است که در آن جمعی دست به دست هم، هدف‌هایشان را یکسان می‌کنند تا کتابی تولید و وارد بازار شود، بنابراین بر خود لازم می‌دانم که از این گروه پرتلاش تشکر و قدردانی نموده و شادی خود را از تولید کتاب با این عزیزان به اشتراک بگذارم:

#### سپاسگزاری:

جناب آقای یحیی دهقانی: مدیریت محترم انتشارات مبتکران و یکی از پیشکسوتان آموزش و نشر ایران  
جناب آقای مهندس هادی عزیززاده: دبیر محترم مجموعه که تجسم چهره ایشان در ذهن من ترکیب لبخند و صبر است.

تایپ و صفحه‌آرایی: سرکار خانم سمیرا عاشورلو که هنرمندانه در صفحه‌آرایی این کتاب تلاش کردند.

سرکار خانم طوبی عینی‌پور: که زحمت نمونه‌خوانی کتاب را متحمل شدند.

گرافیک و طراح جلد: بهاره خدایی

تیم آکادمی عربی، علی‌الخصوص جناب آقای میثم تقی‌نژاد که به صورت پیگیر و مستمر در مراحل تولید و ویرایش کتاب به عنوان همکار مولف و ویراستار علمی تلاش و دلسوزی داشتند.

همسر عزیزم و دو پسر دلبندم: که شاید به هیچ کس به اندازه آنها مدیون نباشم، چون تألیف زمان‌برترین کار زندگی من بوده و این همان زمانی بود که به آنها تعلق داشت.

با وجود وسواس و دقت فراوانی که در ویرایش این کتاب انجام دادم، حتماً ایرادهایی خواهد بود که از چشمان دقیق و نگاه تیزبین شما دور نمی‌ماند، بنابراین از تک‌تک عزیزان، استادان گران‌قدر، مشاوران باسواد و دلسوز و دانش‌آموزان هدفمند خواستارم که بر این حقیر منت نهاده و نظرات و انتقادات ارزشمندشان را از طریق آیدی تلگرام و اینستاگرام زیر اعلام نمایند، که من سخت معتقدم نظرات شما سازنده و گرانقدر است.

مهدی ترابی

تلگرام: arabiacademy

اینستاگرام: arabiacademy.ir



شماره صفحه

نام درس

۷	درس اول
۳۹	درس دوم
۶۹	درس سوم
۱۰۱	درس چهارم
۱۴۳	درس پنجم
۱۷۳	درس ششم
۲۰۵	درس هفتم
۲۳۴	پرسش های کنکور سراسری
۲۴۱	پاسخ نامه

# الدرس الاول:

## محتوا دريک نگاه

قواعد این درس شامل اسم تفضیل و اسم مکان می باشد. از این مباحث به صورت مستقل و ترکیبی تست طرح می شود یکی از موارد مورد علاقه طراحان سؤال در این درس تشخیص «خیر» و «شر» در معنای اسم تفضیل و معنای مصدری می باشد لطفاً به آن توجه داشته باشید.

اسم تفضیل

اسمی است که نشان دهنده برتری کسی یا چیزی است و معادل صفت برتر و یا صفت عالی (برترین) فارسی است. اسم تفضیل در زبان عربی، برای مذکر با وزن «أَفْعَل» و برای مؤنث با وزن «فَعْلَى» ساخته می‌شود.

**نمونه:** أَحْسَن: بهتر - بهترین مؤنث ← حَسَنَى  
أَعْظَم - عَظْمَى / أَكْبَر - كَبْرَى

اسم مکان

اسمی که معنای مکان انجام شدن فعل را دارد و وزن‌های آن شامل سه مورد زیر است:  
مَفْعَل (مَكْتَب - مَطْبَع) / مَفْعِل (مَحْمِل - مَسْجِد - مَعْرَب) / مَفْعَلَة (مَدْرَسَة - مَكْتَبَة - مَرْعَة)

نمونه تست

عَيْنِ الْجَوَابِ الَّذِي مَا جَاءَ فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

- ۱) أدنى / دنیا      ۲) أحسن / حَسَنَى      ۳) أعظم / عَظْمَى      ۴) أعلام / علیم

پاسخ تست: **گزینه ۴**

در این گزینه هیچ کدام از کلمات بر وزن اسم تفضیل نیستند. در سایر گزینه‌ها اسم تفضیل بر وزن «أَفْعَل: مذکر» و «فَعْلَى: مؤنث» ساخته شده است.

نمونه تست

عَيْنِ الْعِبَارَةِ الَّتِي يَوْجَدُ فِيهَا اسْمُ الْمَكَانِ؟

- ۱) الْغَدْرُ عِنْدَ كِرَامِ النَّاسِ مَقْبُولٌ      ۲) الْمُؤْمِنُ صَبُورٌ عِنْدَ الْبَلَاءِ وَ شَكُورٌ عِنْدَ الرِّخَاءِ.  
۳) لَيْتَ الشَّرُّورَ دَائِمًا فِي حَيَاةِ الدُّنْيَا      ۴) كَانَتْ مَكْتَبَةٌ جُنْدِي سَابُورٍ فِي خَوْزِسْتَانِ أَكْبَرٍ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ

پاسخ تست: **گزینه ۴**

با توجه به اینکه اسم مکان بر وزن‌های «مَفْعَل - مَفْعِل و مَفْعَلَة» می‌آید تنها گزینه ۴ این ویژگی را داراست.

نکته نامه

۱) اسم تفضیل با دو وزن فرعی دیگر نیز ساخته می‌شود که «أَفَلٌ» و «أَفْعَى» می‌باشند.

**نمونه:** أَجَلٌ: گرانقدرتر / أَعَزُّ: عزیزتر / أَصْبَحُ: صحیح‌تر / أَضَلُّ: گمراه‌تر  
أَقْوَى: قوی‌تر / أَخْفَى: مخفی‌تر / أَبْقَى: پایدارتر / أَذْنَى: پست‌تر

۲) علاوه بر وزن‌های گفته شده، دو اسم «خَيْرٌ» و «شَرٌّ» در صورتی که در عبارت داده شده، معنای «بهتر-بهترین» و یا «بدتر-بدترین» داشته باشند اسم تفضیل به حساب می‌آیند.

**نمونه:** خَيْرُ الْأَصْحَابِ مَنْ يَدُلُّكَ عَلَى الْخَيْرِ: بهترین یاران کسی است که تو را به سوی خوبی راهنمایی کند.

شَرُّ النَّاسِ أَدْنَى مِنَ الْبَهَائِمِ: بدترین مردم پست‌تر از چهارپایان است.

اسم تفضیل

۳) دو کلمه «خَيْرٌ» و «شَرٌّ» معمولاً اگر مضاف باشند (بعدها مضاف‌الیه آمده باشد) و یا همراه با حرف جر «مِن» باشند، اسم تفضیل هستند.

و اگر همراه با «ال» باشند (الخَيْر - الشَّرُّ) و یا قبل از آنها «لا نفی جنس» (در عربی دوازدهم خواهید خواند) آمده باشد، اسم تفضیل نیستند.

**نمونه:** لَا خَيْرَ فِي وُدِّ إِمْرِيِّ مَتَلُونٍ: هیچ خوبی در دوستی انسان دو رنگ نیست.

اسم تفضیل نیست

۴) اسم‌های تفضیل بر وزن «أَفَاعِل» جمع بسته می‌شوند.

**نمونه:** أَعْظَمُ ← أَعْظَمُ / أَوَّلُ ← أَوَائِلُ

۵) هنگام مقایسه بین دو اسم مؤنث، اسم تفضیل بر وزن «أفعل» به کار می‌رود.

**نمونه:** فاطمة أكبر من زينب. فاطمه بزرگ‌تر از زینب است.

اما اگر بخواهیم از اسم تفضیل به عنوان «صفت» استفاده کنیم در این صورت برای اسم مؤنث باید از «فعلی» استفاده کنیم.

**نمونه:** خديجة الكبرى / أختي الصغرى (خواهر کوچکترم)

۶) اسم‌های مکان معمولاً با وزن «مفاعل» جمع بسته می‌شوند.

**نمونه:** مكاتب / مسجِد / مساجِد / مدرّسة / مدارس

۷) اسم‌های مکان نیز مانند اسم‌های تفضیل، دارای وزن‌های فرعی به صورت زیر می‌باشد.

محل دور زدن      زیارتگاه      قرارگاه راهرو محل فرار      پناهگاه چراگاه محل جریان  
 مفاعل (مدار - مکان - مزار) / مفلّ (مقرّ - ممرّ - مقرّ) / مفعلي (مأوى - مرعى - مجرى)

### نمونه تست

عین الصحیح عن اسم التفضیل:

۱) إنّ الصحيفة الجدارية لهذا اليوم كبرى من صحيفة أمس!

۲) أختي التي عمرها خمس عشرة سنة اكبر من أخت صديقتي!

۳) الحديقة التي أمام بيتنا حسني من الحديقة أمام بيت أخي!

۴) الليلة التي نساعد الآخرين فيها فضلى من بقية الليالي!

پاسخ تست: **گزینه**

گزینه «۱»: چون مفهوم کلی جمله نشان دهنده «مقایسه» است باید اسم تفضیل به صورت «أفعل» استفاده شود. (اکبر)

گزینه «۳»: به دلیل مشابه (أحسن)

گزینه «۴»: به دلیل مشابه (أفضل)

### نمونه تست

عین کلمة «خير» لیست اسم التفضیل:

۱) من يعمل مثقال ذرة خيراً يره!

۲) خير الناس من يعين الناس!

۴) خير الأعمال الكسب من الحلال!

۳) انتخب خیر الكلام فی تكلمك!

پاسخ تست: **گزینه**

گزینه «۱»: هرکس ذره‌ای خوبی انجام دهد آن را می‌بیند. (اسم تفضیل نیست)

گزینه «۲»: بهترین مردم کسی است که به دیگران کمک می‌کند. (اسم تفضیل)

گزینه «۳»: در گفتارت بهترین کلام را انتخاب کن. (اسم تفضیل)

گزینه «۴»: بهترین کارها به دست آوردن روزی حلال است. (اسم تفضیل)

## اشتباه شونده‌ها

۱) اسمی که بر وزن «أفعل» باشد اسم تفضیل است مگر اینکه معنی «رنگ» یا «عیب و نقص» داشته باشد که در این صورت اسم تفضیل به حساب نمی‌آید.

**نمونه:** أكبر ← اسم تفضیل / أحمق / أغوج / أعرج / أضفر / أحمر ← اسم تفضیل نیستند

(نادان) (کج) (لنگ) (زرد) (سرخ)

۲) اسم تفضیل و رنگ‌ها و عیب‌ها فقط وزن مذکرشان یکی است ولی وزن مؤنث آنها با هم فرق دارد.

**نمونه:** أكبر مؤنث ← كبرى (فعلی) / أحمَر مؤنث ← حمراء (فعلاء)

۳) وقتی که اسم تفضیل به شکل (أفعی) باشد و به آن ضمیر بچسبند، به صورت (أفعا) نوشته می‌شود.

**نمونه:** أخفى + کم ← أخفاكم

۴) اسم تفضیل مؤنث که با وزن «فَعْلَى» ساخته می‌شود، گاهی به شکل «فُعَلَا» هم دیده می‌شود.

**نمونه:** دُنیا - عَلیا

۵) کلمه «أخِر» به معنی «دیگر - دیگری» اسم تفضیل است و مؤنث آن می‌شود «أخِری» اما کلمه «أخِر» به معنی «پایان - انتها» اسم فاعل است مؤنث آن می‌شود «أخِرة»

۶) برخی کلمات بر وزن «مُفَعَّلَة» معنای مصدر می‌دهند و نباید آنها را با اسم مکان اشتباه بگیرید.

**نمونه:** مَسْأَلَة ← سؤال و درخواست کردن / مَعْرِفَة: شناختن

۷) مراقب باشید اسم تفضیل بر وزن «أفَعَل» را با فعل ماضی باب «إفَعَال» اشتباه نگیرید.

**نمونه:** اسم تفضیل: أَحْسَن التَّلَامِيذ فِي الْمَدْرَسَةِ أَكْثَرَهُمْ أَدْبًا: بهترین دانش آموزان در مدرسه با ادب‌ترین آنهاست.

فعل ماضی: أَحْسَنَ التَّلَامِيذَ إِلَى الْفُقَرَاءِ فِي «مَهْرَجَانِ الْإِحْسَانِ»: دانش آموزان در جشن نیکوکاری به فقیران نیکی کردند.

## کارگاه ترجمه

۱) اسم تفضیل: در هنگام ترجمه به صورت (...تر) یا (...ترین) ترجمه می‌شود.

**نمونه:** أَنْفَع ← سودمندتر / سودمندترین

۲) هرگاه اسم تفضیل پس از حرف جرّ «مِنْ» بیاید به صورت صفت برتر (...تر) ترجمه می‌شود.

**نمونه:** الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ: علم بهتر از ثروت است.

۳) هرگاه پس از اسم تفضیل، مضاف‌الیه بیاید، به صورت صفت عالی (...ترین) ترجمه می‌شود.

**نمونه:** أَسِيَا أَكْبَرُ قَارَاتِ الْعَالَمِ: آسیا بزرگ‌ترین قاره‌های جهان است.

أَسِيَا أَكْبَرُ قَارَةَ فِي الْعَالَمِ: آسیا بزرگ‌ترین قاره در جهان است.

۴) هرگاه قبل از فعل مضارع حرف «قَدْ» بیاید، در ترجمه فعل مضارع از «شاید، گاهی و ...» استفاده می‌کنیم:

**نمونه:** قَدْ يَذْهَبُ: شاید برود - گاهی اوقات می‌رود.

۵) هنگامی که دو کلمه «بعض» در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، در ترجمه از عبارت «یکدیگر» استفاده می‌کنیم:

**نمونه:** لَا يَنْعَتِبُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا: نباید غیبت یکدیگر را بکنید.

۶) کلمه «بئس» به معنی «چه بد است» یا «بد ... است» می‌باشد.

**نمونه:** بئس العملُ الفسوقُ: گناهکار بودن چه بد، کاری است.



## ترجمه خط به خط

مَوَاعِظُ قِيَمَةٌ

پندهای ارزشمند

(أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ) رَسُولُ اللَّهِ (ص)

محبوب‌ترین بندگان خدا نزد خداوند، سودمندترین آنها برای بندگانش است.

۱. يُحِبُّ الْآبَاءَ وَ الْأُمَّهَاتُ رُؤْيَةَ أَوْلَادِهِمْ فِي أَحْسَنِ حَالٍ، وَ لِذَلِكَ يُرْشِدُونَهُمْ دَائِمًا إِلَى الصِّفَاتِ الطَّيِّبَةِ وَ الْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ،

پدران و مادران دوست دارند فرزندانشان را در بهترین حالت ببینند، و برای همین همیشه آنها را به صفت‌های خوب و کارهای شایسته (درست) راهنمایی می‌کنند.

۲. كَالْأَخْلَاقِ الْحَسَنَةِ، وَ تَعَلُّمِ الْعُلُومِ وَ الْمَهَارَاتِ وَ الْفُنُونِ النَّافِعَةِ، وَ الْإِبْتِعَادِ عَنِ الْأَرَادِلِ وَ التَّقَرُّبِ إِلَى الْأَفْضَلِ، وَ الْإِهْتِمَامِ بِالرِّيَاضَةِ، وَ مُطَالَعَةِ الْكُتُبِ، وَ احْتِرَامِ الْقَانُونِ، وَ الْاِقْتِنَادِ فِي اسْتِهْلَاكِ الْمَاءِ وَ الْكَهْرِبَاءِ، وَ حَسَنِ التَّغْذِيَةِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ مِنَ الصِّفَاتِ وَ الْأَعْمَالِ ....

مانند اخلاق خوب، و یادگیری دانش‌ها و مهارت‌ها و فنون سودمند، و دوری از فرومایگان و نزدیک شدن به شایستگان، و توجه (اهمیت دادن) به ورزش، و مطالعه کتاب‌ها، و احترام نهادن به قانون، و صرفه‌جویی در مصرف آب و برق، و خوب غذا خوردن و صفت‌ها و کارهای دیگر ....

۳. وَ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ نَرَى «لَقْمَانَ الْحَكِيمَ» يَتَقَدَّمُ لِابْنِهِ مَوَاعِظَ قِيَمَةٍ، وَ هَذَا نَمُودَجٌّ تَرْبَوِيٌّ لِيَهْتَدِيَ بِهِ كُلُّ الشَّبَابِ، فَقَدْ جَاءَ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ:

و در قرآن کریم، لقمان حکیم را می بینیم که پندهایی ارزشمند به پسرش تقدیم می کند، و این نمونه ای تربیتی است تا همه جوانان به وسیله آن، هدایت شوند. در قرآن کریم آمده است:

۴. (يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ وَ لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ وَ اقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ) لقمان: ۱۹-۱۷

پسرکم، نماز را برپای دار و به کار پسندیده فرمان بده و از کار زشت بازدار، و بر آنچه که از مصیبت به تو رسیده، شکیبیا باش (بر آسیبی که بر تو وارد شده، صبر کن) زیرا آن از کارهای مهم است و از مردم به غرور روی برنگردان (رخ بر متاب) و در زمین با خودپسندی و شادمانه راه مرو، زیرا خداوند هیچ متکبر (خودپسند) و فخرفروشی را دوست نمی دارد و در راه رفتن خود، میانه روی کن و صدایت را پایین بیاور، زیرا بدترین صداها بی گمان، صدای خران است.

۵. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَنْ يُحَافِظُ عَلَيَّ الصَّلَاةِ فِي وَقْتِهَا، فَقَدْ قَالَ النَّبِيُّ (ع): (إِنَّ عَمُودَ الدِّينِ الصَّلَاةُ)

قطعاً خداوند کسی را که مراقب نماز اول وقتش باشد، دوست دارد، و پیامبر (ص) فرموده است: «قطعاً ستون دین نماز است»

۶. وَ عَلَيْنَا أَنْ نَكُونَ مُشْتَاقِينَ إِلَى الْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ، وَ نَاهِينَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ صَابِرِينَ عَلَى الْمَشَاكِلِ وَ الشَّدَائِدِ: فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الْأُمُورِ الْمُهْمَةِ.

ما باید مشتاق کارهای درست، بازدارنده از زشتی و بردبار بر دشواری ها و سختی ها باشیم. زیرا این از کارهای مهم می باشد.

۷. وَ عَلَيْنَا أَنْ نَتَوَاضَعَ أَمَامَ أَسَاتِدَتِنَا وَ أصدقائِنَا وَ زُمَّلَانِنَا وَ جيرانِنَا وَ أَقربائِنَا وَ كُلِّ مَنْ حَوْلَنَا:

و بر ما لازم است در برابر استادانمان و دوستان و هم کلاسی ها و همسایگان و خویشاوندان و هر که پیرامون ماست، فروتنی کنیم.

۸. فَقَدْ قَالَ الْإِمَامُ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

الْحِكْمَةُ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ، وَ لَا تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ، إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُعْجَبٍ بِنَفْسِهِ.

امام کاظم (ع) فرموده است: «پند و حکمت در قلب انسان فروتن ماندگار می شود و در دل انسان مغرور (خودبزرگبین) ستمگر ماندگار نمی شود. بی گمان خداوند هیچ خودپسندی را دوست ندارد.

۹. إِذَنْ عَلَيْنَا أَنْ لَا نَتَكَبَّرَ عَلَى الْأَخْرِيِّ؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُتَكَبِّرِينَ.

بنابراین ما باید خود را از دیگران بزرگتر ندانیم (نباید به دیگران تکبر بورزیم)؛ زیرا خداوند خودبزرگبینان را دوست نمی دارد.

۱۰. عَلَيْنَا أَنْ لَا تَرْفَعَ أَصْوَاتَنَا فَوْقَ صَوْتِ الْمُخَاطَبِ، فَقَدْ شَبَّهَ اللَّهُ كَلَامَ مَنْ يَرْفَعُ صَوْتَهُ دُونَ دَلِيلِ مَنْطِقِي بِصَوْتِ الْحِمَارِ.

ما باید صداهایمان را از صدای مخاطب بالاتر نبریم؛ و خداوند لحن سخن کسی را که صدایش را بدون دلیل منطقی بالا می برد، به صدای خر تشبیه کرده است.

### الْمُعْجَم

إذَنْ: بنابراین	استهلاك: مصرف کردن (استهلک، يستهلك)	اغضض من صوتك: صدایت را پایین بیاور (غض، يغض)
إقصد: میانه روی کن (قصد، يقصد)	أقم: برپای دار «أقم الصلاة: نماز را برپای دار.» (أقام، يُقيم)	اقتصاد: صرفه جویی (اقتصد، يقتصد)
أنكر: زشت تر، زشت ترین = أفتح	إنه: بازدار = (نهی، ينهی)	أوامر: دستور بده «و + أوامر = و أمر»
تربوي: پرورشی	تعمّر: عمر می کند، در اینجا یعنی ماندگار می شود (عمر، يعمر)	جبار: ستمکار زورمند «صفت خدا به معنای توانمند»
حمير: خرها «مفرد: حمار»	حد: گونه	شبه: تشبیه کرد (مضارع: يشبه)
عزم الأمور: کارهای مهم	فخور: فخر فروش ≠ متواضع	فنون: هنرها «مفرد: فن»
قيّم: ارزشمند	ل: بی گمان (حرف تأکید)	لا تصعّر خدك: با تکبر رویت را برنگردان (مضارع: يصعّر)



لا تَمْشِ: راه نرو (ماضی: مَشَى / مضارع: يَمْشِي)	لِيَهْتَدِيَ: تا راهنمایی شود (ماضی: اهْتَدَى)	مُخْتَال: خودپسند = مُعْجَبٌ بِنَفْسِهِ ◀ إعجابٌ بِنَفْسِهِ: خودپسندی
مَرَحًا: شادمانه و با ناز و خودپسندی	مَشَى: راه رفتن	مِيزَان: ترازو (تراوزی اعمال)
بِالنَّفْسِ: خودپسندی	مُنْكَرٌ: کار زشت	ناهی، ناه: بازدارنده «جمع: ناهون، ناهین و نُهاة»
نَمُوذَجٌ: نمونه «جمع: نَمَازِجٌ»	يُقَدِّمُ: تقدیم می‌کند، پیش می‌فرستد (ماضی قَدَمٌ)	حَيٌّ: بشتاب
أَهْدَى: هدیه کرد	عَلَّتْ: چیره شد	جَادِلٌ: بحث کن
ضَلَّ: گمراه شد	سِعْرٌ: قیمت «جمع: أَسْعَارٌ»	نَوْعِيَّةٌ: جنس
مَتَجَرَ: مغازه	زَمِيلٌ: همکار	تَخْفِيفٌ: تخفیف
مَيَّرَ: جدا و سوا کن	سَاءٌ: بد شد	عَذَبٌ: عذاب داد
لِأَتَمُّمٌ: تا کامل کنم	حَسُنَتْ: نیکو گردانیدی	مایلی: آنچه می‌آید

### حول النص

عَيْنُ الصَّحِيحِ وَالْأَخْطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. درست و غلط را طبق متن درس مشخص کنید. ☒ ☒

۱. يَجِبُ أَنْ لَا تَرْفَعَ أَصْوَاتَنَا فَوْقَ صَوْتِ مَنْ تَتَكَلَّمُ مَعَهُ.

ترجمه: باید صداهایمان را بالاتر از صدای کسی که با او سخن می‌گوییم نبریم. ☑

۲. عَلَيْنَا أَنْ نَحْفَظَ عَلَىٰ آدَاءِ الصَّلَاةِ فِي وَقْتِهَا.

ترجمه: ما باید مراقب نماز در وقت خودش (نماز اول وقت) باشیم. ☑

۳. قَدَّمَ لِقَمَانَ الْحَكِيمِ لِابْنِهِ مَوَاعِظَ قِيَمَةٍ.

ترجمه: لقمان حکیم به پسرش پندهایی ارزشمند تقدیم کرد. ☑

۴. لَا تَعْمُرُوا الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ.

ترجمه: پند و حکمت در قلب انسان فروتن ماندگار نمی‌شود. ☒

۵. الْإِعْجَابُ بِالنَّفْسِ عَمَلٌ مَقْبُولٌ.

ترجمه: خودپسندی، کاری پسندیده است. ☒

### اختر نفسك

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ صَعِّ خَطًّا تَحْتَ اسْمِ التَّفْضِيلِ. احادیث زیر را ترجمه کن سپس خطی زیر اسم تفضیل قرار بده.

۱. سئِلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ أَحَبَّ النَّاسَ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ: أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ.

ترجمه: از پیامبر خدا (ص) سؤال شد: محبوب‌ترین مردم نزد خداوند کیست؟ فرمود: سودمندترین مردم به مردم است. - أَحَبُّ، أَنْفَعُ

۲. أَعْلَمُ النَّاسِ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)

ترجمه: داناترین مردم، کسی است که دانش مردم را به دانش خود بیفزاید. - أَعْلَمُ

۳. أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)

ترجمه: برترین کارها، کسب روزی حلال است. - أَفْضَلُ





اِحْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ الثَّلَاثَةَ. عبارات‌های زیر را ترجمه کن.

۱. (... رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ) الْمُؤْمِنُونَ: ۱۰۹

**ترجمه:** ... پروردگارا ایمان آوردیم پس بر ما بیخشای و به ما رحم کن که تو بهترین بخشاینده‌گان هستی.

۲. (لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ) الْقَدْر: ۳

**ترجمه:** شب قدر از هزار ماه بهتر است.

۳. شَرُّ النَّاسِ ذُو أَلْوَجْهَيْنِ.

**ترجمه:** بدترین مردم کسی که دارای دو رو است.

۴. خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ. رَسُولِ اللَّهِ (ص)

**ترجمه:** بهترین دوستانتان (برادران شما) کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند.

۵. مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ. أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

**ترجمه:** هر کس شهوتش بر عقلش غلبه کند پس او بدتر از چارپایان است.

اِحْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْآيَاتَيْنِ وَالْعِبَارَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ. دو آیه و عبارت را ترجمه کن سپس اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن.

۱. (وَ جَادِلْهُمْ بَالْتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ... ) النحل: ۱۲۵

**ترجمه:** و با آنان به (شبهه‌ای) که نیکوتر است مجادله نما (ستیزه کن). در حقیقت، پروردگار تو به (حال) کسی که از راه او منحرف شده، داناتر است.

**پاسخ:** أَحْسَنُ: اسم تفضیل / أَعْلَمُ: اسم تفضیل

۲. (وَ الْأَخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى) الْأَعْلَى: ۱۷

**ترجمه:** با آنکه (جهان) آخرت نیکوتر و پایدارتر است.

**پاسخ:** خَيْرٌ: اسم تفضیل / أَبْقَى: اسم تفضیل

۳. كَانَتْ مَكْتَبَتُهُ «جندی سابور» فی خوزستان أكبر مَكْتَبَةٍ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ.

**ترجمه:** کتابخانه جندی شاپور در خوزستان، بزرگ‌ترین کتابخانه در دنیای قدیم بود.

**پاسخ:** مَكْتَبَتُهُ، مَكْتَبَةٍ: اسم مکان / أكبر: اسم تفضیل



– بَائِعُ الْمَلَابِسِ (فروشنده لباس‌ها)	– أَلزَّائِرَةُ الْعَرَبِيَّةُ (خانم زائر عرب)
– عَلَيْكُمْ السَّلَامُ، مَرَحَبًا بِكَ . عَلَيْكُمْ السَّلَامُ . خُوش آمَدِيد.	– سَلَامٌ عَلَيْكُمْ . سَلَامٌ عَلَيْكُمْ
– سَتُونَ أَلْفَ تُومَانٍ . شِصْتِ هِزَارِ تُومَانٍ .	– كَمْ سِعْرُ هَذَا الْقَمِيصِ الرَّجَالِيِّ؟ قِيمَتِ اَيْنِ پِيرَاهَنِ مِرْدَانِه چِنْدِ اسْت؟
– عِنْدَنَا بِسِعْرِ خَمْسِينَ أَلْفَ تُومَانٍ . تَفَضَّلِي أَنْظُرِي . بِه قِيمَتِ پِنجَاهِ هِزَارِ تُومَانِ دَارِيمِ . بفرما بَبِينِ .	– أَرِيدُ أَرْخَصَ مِنْ هَذَا . هَذِهِ الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ . اِرْزَانِ تَرِ اَزِ اَيْنِ مِي خُواهِمِ . اَيْنِ قِيمَتِ هَا گِرَانِ اسْتِ .
– أَيْبُضٌ وَ أَسْوَدٌ وَ أَزْرَقٌ وَ أَحْمَرٌ وَ أَصْفَرٌ وَ بَنَفْسَجِيٌّ . سَفِيدٌ وَ سِيَاهٌ وَ آبِيٌّ وَ قَرْمَزٌ وَ زَرْدٌ وَ بِنَفْسِ .	– أَيُّ لَوْنٍ عِنْدَكُمْ؟ چِه رَنگِي دَارِيد؟
– تَبَدَّلُ الْأَسْعَارُ مِنْ خَمْسَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفًا إِلَى خَمْسَةِ وَ ثَمَانِينَ أَلْفَ تُومَانٍ . قِيمَتِ هَا اَزِ هِفْتَادِ وَ پِنجِ هِزَارِ شُرُوعِ مِي شُودِ تَا هِشْتَادِ وَ پِنجِ هِزَارِ تُومَانِ .	– بَكَمْ تُومَانِ هَذِهِ الْأَقْسَاتِيْنِ؟ اَيْنِ لِبَاسِ هَا (لِبَاسِ هَايِ زَنَانِه) چِنْدِ تُومَانِ اسْت؟
– سَيِّدَتِي، يَخْتَلِفُ الشَّعْرُ حَسَبَ النُّوعَاتِ . خَانِمِ، قِيمَتِ بِرَحْسَبِ جِنْسِ فَرَقِ دَارِدِ .	– الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ! قِيمَتِ هَا گِرَانِ اسْت!
– السَّرْوَالُ الرَّجَالِيُّ بِتِسْعِينَ أَلْفَ تُومَانٍ . وَ السَّرْوَالُ النِّسَائِيُّ بِخَمْسَةِ وَ تِسْعِينَ أَلْفَ تُومَانٍ . شِلْوَارِ مِرْدَانِه نُودِ هِزَارِ تُومَانِ وَ شِلْوَارِ زَنَانِه نُودِ وَ پِنجِ هِزَارِ تُومَانِ اسْتِ .	– بَكَمْ تُومَانِ هَذِهِ السَّرَاوِيلُ؟ اَيْنِ شِلْوَارِ هَا چِنْدِ تُومَانِ اسْت؟
– ذَلِكَ مَتَجَرُّ زَمِيلِي، لَهُ سَرَاوِيلُ أَفْضَلُ . آن مِغَازِه هِمكَارِ مَنِ اسْتِ . شِلْوَارِ هَايِ بَهْتَرِي دَارِدِ .	– أَرِيدُ سَرَاوِيلَ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ . شِلْوَارِ هَايِ بَهْتَرِ اَزِ اَيْنِ رَا مِي خُواهِمِ .
فی متجر زميله ... در مغازه همکارش ...	
– صَارَ الْمَبْلُغُ مِئَتَيْنِ وَ ثَلَاثِينَ أَلْفَ تُومَانٍ . مِبلِغِ دُويَسْتِ وَ سِيِ هِزَارِ تُومَانِ شُدِ .	– رَجَاءُ، أَعْطِنِي سِرْوَالًا مِنْ هَذَا النَّوعِ وَ ... كَمْ صَارَ الْمَبْلُغُ؟ لُطْفًا، شِلْوَارِي اَزِ اَيْنِ جِنْسِ بِه مَنِ بَدِه وَ ... مِبلِغِ چِنْدِ شُد؟
– أَعْطِنِي بَعْدَ التَّخْفِيفِ مِئَتَيْنِ وَ عِشْرِينَ أَلْفًا . بَعْدِ تَخْفِيفِ، بِه مَنِ دُويَسْتِ وَ بَيَسْتِ هِزَارِ بَدِه .	

تمرین

اَلتَّمَرِيْنُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيْحَاتِ التَّالِيَةَ؟ تَمَرِيْنِ اَوَّلِ: كِدَامِ كَلِمِه اَزِ كَلِمَاتِ لُغْتِ نَامِه دَرَسِ مُتَنَاسِبِ بَا تَوْضِيْحَاتِ زِيَرِ مِي بَاشَدِ .

۱. الْمُسْتَبِدُّ الَّذِي لَا يَرَى لِأَحَدٍ عَلَيْهِ حَقًّا: – جَبَّار

[ترجمه]: زورگویی که برای کسی حقی قائل نمی‌شود (نمی‌بیند): زورگو

۲. الْإِنْسَانُ الَّذِي يَفْتَخِرُ بِنَفْسِهِ كَثِيرًا: – مُعْجَبٌ بِنَفْسِهِ، مُخْتَال

[ترجمه]: انسانی که به خودش زیاد می‌بالد: خودپسند

۳. حَيَوَانٌ يُسْتَعْمَدُ لِلْحَمْلِ وَ الرَّكُوبِ: – حِمَار

[ترجمه]: حیوانی که برای باربری و سوار شدن به کار گرفته می‌شود: خر

۴. الْعَمَلُ السَّيِّئُ وَ الْقَبِيْحُ: – مُنْكَر

[ترجمه]: (کار بد و زشت: کار زشت)

۵. عُضْوٌ فِي الْوَجْهِ: – حَدَّ

[ترجمه]: (عضوی در چهره: گونه)



## تمرین ۲

التَّمْرِينُ الثَّانِي: عَيَّنْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطُّ وَ مَيِّزْ تَرْجَمَتَهَا. (نَوْع: الْمَاضِي، الْمَضَارِع، الْأَمْر) - تمرین دوم: نوع فعل‌هایی که زیر آن‌ها خط کشیده شده را مشخص کن و ترجمه آن‌ها را نیز مشخص کن.  
 أَرَادَ قَبْرًا أَنْ يَسْبُبَ الَّذِي كَانَ سَبَّهُ: فَقَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ:  
 مَهْلًا يَا قَبْرُ، دَعْ شَانِمَكَ مُهَانًا تُرْضِ الرَّحْمَنَ وَ تُسَخِّطِ الشَّيْطَانَ وَ تُعَاقِبِ عَدُوَّكَ، ... مَا أَرْضَى الْمُؤْمِنُ رَبَّهُ بِمِثْلِ الْجِلْمِ، وَ لَا أَسَخَطَ الشَّيْطَانَ بِمِثْلِ الصَّمْتِ، وَ لَا عُوقِبَ الْأَحْمَقُ بِمِثْلِ السُّكُوتِ عَنْهُ.

قبر خواست به کسی که به او ناسزا گفته بود، دشنام دهد، پس امام علی علیه السلام به او فرمودند: ای قبر آرام باش، دشنامگوی خود را خوار رها کن تا (خدای) بخشاینده را خشنود و اهریمن را خشمگین کنی و دشمنت را کیفر داده باشی. مؤمن پروردگارش را با (چیزی) مانند بردباری خشنود و اهریمن را با (چیزی) همانند خاموشی خشمگین نکرد و نادان با (چیزی) همانند دم فرو بستن در برابرش کیفر نشد. چه بسا سکوت رساتر از سخن گفتن است.

رُبَّ سُكُوتٍ أْبْلَغُ مِنَ الْكَلَامِ:

چه بسا سکوتی که از سخن گفتن رساتر است.

أَرَادَ (خواست): فعل ماضی / يَسْبُبُ (دشنام می‌دهد): فعل مضارع / قَالَ (گفت): فعل ماضی / دَعَّ (رها کن): فعل امر / مَا أَرْضَى (خوشنود نکرد): فعل ماضی / أَسَخَطَ (خشمگین کرد): فعل ماضی

## تمرین ۳

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: تَرَجِّمْ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ. - تمرین سوم: این احادیث نبوی را ترجمه کن سپس خواسته شده از تو را مشخص کن.

۱. حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ. (الْمَبْتَدَأُ وَ الْخَبَرُ)

**ترجمه:** خوش خویی نیمی از دین است.

**پاسخ:** حُسْنٌ: مبتدا، نِصْفٌ: خبر

۲. مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ. (الْفَاعِلُ وَ الْمَفْعُولُ)

**ترجمه:** هر کس خوی‌اش بد باشد، خودش را عذاب می‌دهد.

**پاسخ:** خُلُقٌ: فاعل، نَفْسٌ: مفعول

۳. إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ. (الْفِعْلُ الْمَاضِي الْمَجْهُولُ وَ الْمَفْعُولُ)

**ترجمه:** من مبعوث شده‌ام تا فقط مکارم اخلاق را کامل کنم. (من فقط برای تکمیل مکارم اخلاقی مبعوث شده‌ام).

**پاسخ:** بُعِثْتُ: فعل ماضی مجهول، مَكَارِمٌ: مفعول

۴. اَللَّهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي. (فِعْلُ الْأَمْرِ وَ الْفِعْلُ الْمَاضِي)

**ترجمه:** خداونداندا، همانطور که آفرینش مرا نیکو گردانیدی، پس اخلاقم را (نیز) نیکو گردان.

(خداونداندا، همان‌طور که صورت‌م را زیبا آفریدی خُلق و سیرتم را نیز نیکو گردان.)

**پاسخ:** فِعْلُ الْأَمْرِ: حَسِّنْ، الْفِعْلُ الْمَاضِي: حَسَّنْتَ

۵. لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. (اسْمُ التَّفْضِيلِ وَ الْجَارُ وَ الْمَجْرُورُ)

**ترجمه:** در ترازوی اعمال چیزی سنگین‌تر از خوی نیک (خوش اخلاقی) نیست.

**پاسخ:** أَثْقَلُ: اسم تفضیل، مِنَ الْخُلُقِ: جار و مجرور



## تمرین ۴

التَّمْرِينُ الرَّايِعُ: تَرْجِمَ ما يَلِي، ثُمَّ عَيَّنَ اسْمَ الْمَكَانِ، وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ. - تمرین چهارم: آنچه آمده را ترجمه کن سپس اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن.

۱. (رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ) الشُّعْرَاءُ: **ترجمه:** پروردگار مشرق و مغرب / المشرق و المغرب: اسم مکان
۲. (مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ) الْأَسْرَاءُ: **ترجمه:** از مسجد الحرام / المسجد: اسم مکان
۳. يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ: **ترجمه:** ای شنواترین شنوندگان / أسمع: اسم تفضیل
۴. يَا أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ: **ترجمه:** ای بهترین آفرینندگان / أحسن: اسم تفضیل
۵. يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ: **ترجمه:** ای بخشاینده‌ترین بخشاینندگان / أرحم: اسم تفضیل

## تمرین ۵

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَ الْمَصَادِرَ التَّالِيَةَ. - تمرین پنجم: فعل‌ها و مصدرهای زیر را ترجمه کن.

الْمَصْدَرُ	الْأَمْرُ وَ النَّهْيُ	الْمُضَارِعُ وَ الْمُسْتَقْبَلُ	الْمَاضِي
إِحْسَانٌ: نیکی کردن	أَحْسِنْ: نیکی کن	يُحْسِنُ: نیکی می‌کند	قَدْ أَحْسَنَ: نیکی کرده است
إِقْتِرَابٌ: نزدیک شدن	لَا تَقْتَرِبُوا: نزدیک نشوید	يَقْتَرِبُونَ: نزدیک می‌شوند	اقْتَرَبَ: نزدیک شد
إِنْكَسَارٌ: شکسته شدن	لَا تَنْكَسِرُوا: شکسته نشو	سَيَنْكَسِرُونَ: شکسته خواهد شد	انْكَسَرَ: شکسته شد
إِسْتِغْفَارٌ: آمرزش خواستن	اسْتَغْفِرُوا: آمرزش بخواه	يَسْتَغْفِرُونَ: آمرزش می‌خواهد	اسْتَغْفَرَ: آمرزش خواست
مُسَافَرَةٌ: سفر کردن	لَا تَسَافِرُوا: سفر نکن	لَا يَسَافِرُونَ: سفر نمی‌کند	ما سَافَرْتُ: سفر نکردم
تَعَلُّمٌ: یاد گرفتن	تَعَلَّمْ: یاد بگیر	يَتَعَلَّمَانِ: یاد می‌گیرند	تَعَلَّمَ: یاد گرفت
تَبَادُلٌ: عوض کردن	لَا تَتَبَادَلُوا: عوض نکنید	تَتَبَادَلُونَ: عوض می‌کنید	تَبَادَلْتُ: عوض کردید
تَعْلِيمٌ: آموزش دادن	عَلِّمْ: آموزش بده	سَوْفَ يُعَلِّمُ: آموزش خواهد داد	قَدْ عَلَّمَ: آموزش داده است

## تمرین ۶

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْأَعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمَلُوتَةِ. - تمرین ششم: محل اعرابی کلمات رنگ شده را مشخص کن.

۱. (فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ) الْفَتْحُ: ۲۶

**ترجمه:** خداوند آرامش خود را بر فرستاده‌اش و بر مؤمنان نازل کرد.

**پاسخ:** سَكِينَةٌ: مفعول / رَسُولٍ: مجرور به حرف جر

۲. (لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا) الْبَقَرَةُ: ۲۸۶

**ترجمه:** خداوند به هر کس فقط به اندازه توانایی‌اش تکلیف می‌کند.

**پاسخ:** اللَّهُ: فاعل / نَفْسًا: مفعول

۳. الشُّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)

**ترجمه:** سکوت طلاست و سخن گفتن نقره است.

**پاسخ:** الْكَلَامُ: مبتدا / فِضَّةٌ: خبر

۴. أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)

**ترجمه:** محبوب‌ترین بندگان خدا نزد خداوند، سودمندترین آن‌ها نسبت به بندگانش است.

**پاسخ:** أَحَبُّ: مبتدا / عِبَادِ: مضاف إليه / اللَّهُ: مجرور به حرف جر / أَنْفَعُهُمْ: خبر



۵. عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. أميرالمؤمنین علیه السلام.

**ترجمه:** دشمنی عاقل بهتر از دوستی نادان است.

**پاسخ:** عداوة: مبتدا / خیر: خبر / صداقة: مجرور به حرف جر

## تمرین ۷

التمرین السابع: عین الکلمة الغریبة فی کُلِّ مجموعة. - تمرین هفتم: کلمه ناآشنا در هر مجموعه را مشخص کن.

۱. نماذج  حمیر  نعالِب  ذناب

**ترجمه:** نمونه‌ها / خران / روباه‌ها / گرگ‌ها

۲. سروال  صمت  فُستان  قمیص

**ترجمه:** شلوار / سکوت / پیراهن زنانه / پیراهن

۳. مُمرّضة  بائعة  فَلَاحَة  قَبیمة

**ترجمه:** پرستار / فروشنده / کشاورز / ارزشمند

۴. أَحمر  أَحسن  أَجمل  أَصلح

**ترجمه:** سرخ / نیکوترین / زیباترین / شایسته‌ترین

۵. أَصفر  أَزرق  أبيض  أَكثر

**ترجمه:** زرد / آبی / سفید / بیش‌تر

۶. حَدّ  سنّ  لسان  مَرَح

**ترجمه:** گونه / دندان / زبان / شادمانه و با ناز و خودپسندی

## تمرین ۸

التمرین الثامن: ضَعُ في الفَراغِ کَلِمَةً مُناسِبَةً. - تمرین هشتم: در جای خالی کلمه‌ای مناسب قرار بده.

۱. اِشْتَرَيْنَا ..... وَ فَسَاتِنِ بِأَسْعَارٍ رَخِيصَةٍ فِي الْمَتَجَرِّ. سَراويل  أَشْهُرًا  مَوَاقِفَ

**ترجمه:** چند شلوار و پیراهن با قیمت‌هایی ارزان در مغازه خریدیدم.

۲. ذَهَبَ الْعَامِلُ إِلَى بَيْتِهِ بَعْدَمَا ..... وَاجِبَاتِهِ بِدَقَّةٍ. ضَلَّ  ساءَ  تَمَّمَ

**ترجمه:** کارگر بعد از اینکه وظایفش را با دقت انجام داد، به خانه‌اش رفت.

۳. إِنَّا ..... هَدِيَّةً لِرَمِيلِنَا الْفَائِزِ فِي الْمُسَابَقَةِ. عَمَرْنَا  أَهْدَيْنَا  عَلَيْنَا

بی‌گمان ما هدیه‌ای به دوستان برنده‌یمان دادیم.

۴. وَالِدِي يَسْتَعْلِفُ فِي مُؤَسَّسَةٍ ..... ثَقَافِيَّةٍ. تَرْيُوبِيَّةٍ  نَمُودَجِّ  رُكُوبٍ

**ترجمه:** پدرم در مؤسسه تربیتی - فرهنگی به کار مشغول شد.

۵. يَا زَمِيلِي، دَعْ ..... كَ حَقِيرًا لِرِضَا اللَّهِ. شاتِمَ  نَوَعِيَّةٍ  أَشْعَارَ

**ترجمه:** ای دوست من، برای رضای خدا سرزنش‌کننده‌ات را در حالی که کوچک است، رها کن.

۶. إِنَّ أَلَّ ..... أَلَّةً لِمَعْرِفَةِ وَزَنِ الْأَشْيَاءِ. مِيزَانَ  مِصْبَاحَ  مِفْتَاحَ

**ترجمه:** بی‌گمان ترازو، وسیله‌ای برای شناخت وزن اشیاست.



## مترادفها (=)

أَحَبَّ = أَفْضَلَ	رُؤْيَا = مُشَاهَدَةً	يُرْشِدُ = يَدُلُّ	طَيِّبٌ = طَاهِرٌ	أَعْمَالٌ = أَعْمَالٌ
تَقَرَّبُ = قُرْبٌ	مَوَاعِظٌ = نَصَائِحٌ	نَرَى = نُشَاهِدُ	سَنَةٌ = عَامٌ	ابْنٌ = وَلَدٌ
نَمُوذَجٌ = مِثَالٌ	يَهْتَدِي = يَدُلُّ	جَاءَ = أَتَى	بُنَيٌّ = وَلَدِي	مُنْكَرٌ = عَمَلُ السَّيِّئِ
عَزَمَ الْأُمُورَ = عَمِلَ الْمَهْمَ	خَيْرٌ = أَفْضَلُ	سَبِيلٌ = طَرِيقٌ	أَنْظَرُوا = شَاهَدُوا	وَجْهٌ = صُورَةٌ
أَرَادَ = طَلَبَ	كَلَامٌ = قَوْلٌ	سَكِينَةٌ = حِلْمٌ	فَلَّاحٌ = مُزَارِعٌ	بَيْتٌ = دَارٌ
أَنْكَرَ = أَقْبَحَ	مُخْتَالٌ = مُعْجَبٌ بِنَفْسِهِ	شَدَائِدٌ = مَصَاعِبٌ		

## متضادها (≠)

أَحْسَنٌ ≠ أَقْبَحٌ / أَنْكَرٌ	نَافِعٌ ≠ مُضِرٌّ	ابْتِعَادٌ ≠ اقْتِرَابٌ	أَفْضَلٌ ≠ أَرَاذِلٌ	حَسَنٌ ≠ قُبْحٌ
جَاءَ ≠ ذَهَبَ	مَعْرُوفٌ ≠ مُنْكَرٌ	عَدَاوَةٌ ≠ صَدَاقَةٌ	أَصْدِقَاءٌ ≠ أَجْبَاءٌ	مُتَوَاضِعٌ ≠ مُتَكَبِّرٌ
أَعْلَى ≠ أَسْفَلٌ	أَعْلَى ≠ أَرْحَصٌ	أَقْلٌ ≠ أَكْثَرٌ	عَاقِلٌ ≠ جَاهِلٌ	لَيْلٌ ≠ نَهَارٌ
قَدِيمٌ ≠ حَدِيثٌ	غَالِيَةٌ ≠ رَخِيصَةٌ	رِجَالِيٌّ ≠ نِسَائِيٌّ	كَثِيرٌ ≠ قَلِيلٌ	سَاءٌ ≠ حَسَنٌ
إِحْسَانٌ ≠ إِسَاءَةٌ				

## جمعهاى مكسر

أَبَاءٌ ◀ أَبٌ	أُمَّهَاتٌ ◀ أُمٌّ	أَوْلَادٌ ◀ وَلَدٌ	أَعْمَالٌ ◀ عَمَلٌ	عُلُومٌ ◀ عِلْمٌ
فُنُونٌ ◀ فَنٌّ	أَرَاذِلٌ ◀ أَرَذَلٌ	أَفْضَلٌ ◀ أَفْضَلٌ	كُتُبٌ ◀ كِتَابٌ	قَوَانِينٌ ◀ قَانُونٌ
عِبَادٌ ◀ عَبْدٌ	مَوَاعِظٌ ◀ مَوْعِظَةٌ	نَمَازِجٌ ◀ نَمُوذَجٌ	شَبَابٌ ◀ شَابٌ	أُمُورٌ ◀ أَمْرٌ
أَصْوَاتٌ ◀ صَوْتٌ	خَمِيرٌ ◀ حِمَارٌ	مَشَاكِلٌ ◀ مُشْكَلٌ	شَدَائِدٌ ◀ شَدِيدٌ	أَسَاتِذَةٌ ◀ أَسْتَاذٌ
أَصْدِقَاءٌ ◀ صَدِيقٌ	زُمَلَاءٌ ◀ زَمِيلٌ	جِيرَانٌ ◀ جَارٌ	أَقْرِبَاءٌ ◀ قَرِيبٌ	إِخْوَانٌ ◀ أَخٌ
عُيُوبٌ ◀ عَيْبٌ	بِهَائِمٌ ◀ بَهِيمَةٌ	أَسْعَارٌ ◀ سِعْرٌ	مَلَابِسٌ ◀ مَلْبَسٌ	فَسَاتِينٌ ◀ فُسْتَانٌ
سِرَاوِيلٌ ◀ سِرْوَالٌ	مَتَاجِرٌ ◀ مَتَجَرٌ	ثَعَالِبٌ ◀ ثَعْلَبٌ	ذِنَابٌ ◀ ذَنْبٌ	مَوَاقِفٌ ◀ مَوْقِفٌ
مَوَازِينٌ ◀ مِيزَانٌ	أَسْمَاءٌ ◀ إِسْمٌ			

## انواع فعل

ماضى	مضارع	امر	نهى	مصدر
قالَ	يُحِبُّ	اسْتَخْرِجْ	لا تَقْتَرِبُوا	تَعَلَّمَ
شَبَّهَ	يُرْشِدُونَ	دَعِ	لا تَنْكَسِرْ	ابْتِعَادٌ
اسْتَهْلَكَ	نَرَى	ضَعْ	لا تُسَافِرْ	تَقَرَّبُ
عَصَّ	يُقَدِّمُ	عَيِّنْ	لا تَتَبَادَلُوا	اهْتِمَامٌ
قَصَدَ	لِيَهْتَدِيَ (منصوب)	أَحْسِنْ	لا تَمْشِ	احْتِرَامٌ
أَقَامَ	يُحَافِظُ	اسْتَغْفِرْ	لا تُصْعِرْ	اِقْتِصَادٌ



ماضى	مضارع	امر	نهى	مصدر
اِقْتَصَدَ	نكون	تَعَلَّمْ		اِسْتِهْلَاك
نَهَى	أَنْ نَتَوَاضَعَ (منصوب)	عَلِّمْ		مَشَى
عَمَّرَ	تَعَمَّرُ	تَرْجِمْ		أداء
مَشَى	أَنْ نَتَكَبَّرَ (منصوب)	مَيِّزْ		إعجاب
إِهْتَدَى	أَنْ نَرْفَعَ (منصوب)	إِغْفِرْ		تَفَكَّرْ
قَدَّمَ	يَرْفَعُ	إِرْحَمْ		حمل
جَمَعَ	يَسْتَهْلِكُ	حَيِّ		إحسان
أهدى	يُعْضُضُ	أَغْضُضْ		إِقْتِرَاب
غَلَبَتْ	يَقْصِدُ	إِقْصِدْ		إِنْكِسَار
ضَلَّ	يُتَقِيمُ	اوْمُرْ		اِسْتِغْفَار
كانت	يَقْتَصِدُ	إِنَّه		مُسَافَرَة
صارَ	يَنْهَى	أَقِمْ		تَعَلَّمَ
أرادَ	يُسَبِّهْهُ	إِصْبِرْ		تَبَادُل
عُوقِبَ (مجهول)	يُصَعَّرُ	حَسِّنْ		تَعْلِيم
أَسْحَطَ	يَمْشَى			رِضا
ساءَ	يُقَدِّمُ			مَعْرِفَة
عَدَبَ	نَتَكَلَّمُ			اِفْتِتَاح
بُعِثْتُ	أَنْ نُحَافِظَ (منصوب)			دُعَاء
حَسَنْتَ	لَا يَعْتَقِدُ (منفى)			
لَيْسَ	لَا يَجْتَمِعُ (منفى)			
أَسْمَعَ	يَخْتَلِفُ			
أَحْسَنَ	أُرِيدُ			
أَرْحَمَ	لَا يَرَى (منفى)			
أَحْسَنَ	يَفْتَحِرُ			
اِقْتَرَبَ	يُسْتَحْدِمُ (مجهول)			
اِنْكَسَرَ	لِأَتَمِّمَ (منصوب)			
اِسْتَغْفَرَ	يَلَى			
ما سَافَرْتُ (منفى)	يُحْسِنُ			



ماضی	مفارع	امر	نهی	مصدر
تَعَلَّمَ	يَقْتَرِبُونَ			
تَبَادَلْتُمْ	سَيَبْكِسِرُ (مستقبل)			
عَلَّمَ	يَسْتَغْفِرُ			
أَنْزَلَ	لَا يُسَافِرُ (منفی)			
اِشْتَرَيْنَا	يَتَعَلَّمَانِ			
ذَهَبَ	تَتَبَادَلُونَ			
تَعَمَّ	سَوْفَ يُعَلِّمُ (مستقبل)			
عَمَرْنَا	لَا يُكَلِّفُ (منفی)			
عَلَبْنَا	أَنْ يَسِبَّ (منصوب)			
أَمْنَا	تَبَدُّأُ			
جَاءَ				
أَصَابَ				

### مثال نامه

این بخش به طرز عجیبی باعث افزایش درصد و تراز شما در آزمون‌های آزمایشی و کنکور می‌شود، زیرا ما تمام مثال‌های مربوط به قواعد درس را که در متن‌ها آمده برایتان در این قسمت جمع‌آوری کرده‌ایم.



ردیف	اسم تفصیل	اسم مکان
۱	أَحْسَن	مَلْعَب
۲	أَرَادِل	مَطْعَم
۳	أَفَاضِل	مَصْنَع
۴	أَنْكَر	مَطْبِخ
۵	أَفْتِیح	مَوْقِف
۶	أَكْبَر	مَنْزِل
۷	أَعْلَى	مَكْتَبَة
۸	أَفْضَل	مَطْبَعَة
۹	أَنْفَع	مَدَارِس
۱۰	أَعْلَى	مَلَاعِب
۱۱	أَحَبَّ	مَطَاعِم
۱۲	أَقْل	مَنَازِل
۱۳	كُبْرَى	مَنْجَر
۱۴	صُغْرَى	مَشْرِق
۱۵	أَعْلَم	مَغْرِب
۱۶	خَيْرٌ مِنْ	مَسْجِد